

بچه‌ها سلام

دوستان فرfre ای سلام

بالاخره آخرین ماه پاییز هم شروع شد. برگ و بار درخت‌ها هم می‌گویند آخرین روزهای پاییز فرا رسیده و طبیعت کم‌کم رنگ و روی زمستان گرفته و هوا هم سردتر شده است؛ پس حسابی مواظب خودتان باشید و لباس گرم بپوشید. نوش جان کردن میوه‌های پاییزی را هم فراموش نکنید چون هیچ چیز به اندازه آن‌ها مزه پاییز را زیر زبان مان نگه نمی‌دارد. البته خودمانیم، همه میوه‌هایش هم خوشمزه نیست اما خب همه چیز که خوشمزه‌گی نیست، مثلاً همین شلغم، شاید خوردنش لذت بخش نباشد اما کمک‌مان می‌کند در هوای این روزها سرما نخوریم یا اگر سرما خوردیم زودتر حالمان خوب شود. امروز غیر از مطالب صفحه فرfre، حتماً با همراهی بزرگ‌ترها، مطالب صفحه اول «زندگی سلام» یعنی پرونده را هم بخوانید و درباره اش فکر کنید.

قصه

نیل و خانه‌ای که دیگر شبیه خانه نیست

یکی بود یکی نبود. زیر گنبد کبود، توی آب‌های یک اقیانوس بزرگ، ماهی کوچولویی به اسم «نیل» زندگی می‌کرد. نیل، اقیانوس را خیلی دوست داشت اما هر وقت برای گردش و تفریح با خواهر و برادرهایش به نزدیکی ساحل می‌رفت، به جای این که شاد و سرحال شود، بهانه می‌گرفت و می‌خواست برگردد خانه. ته اقیانوس. حتماً برایتان سوال است که چرا نیل گردش را دوست نداشت. راستش مشکل نیل گردش رفتن نبود، اتفاقاً این ماهی کوچولوی قصه ما، مثل هر بچه‌ماهی دیگری عاشق تفریح بود. مشکل نیل، آشغال‌های ریز و درشتی بود که ساحل را کثیف و زشت کرده و زیبایی و قشنگی ساحل را از بین برده بودند. آشغال‌هایی که به بچه‌ماهی‌ها اجازه نمی‌داد

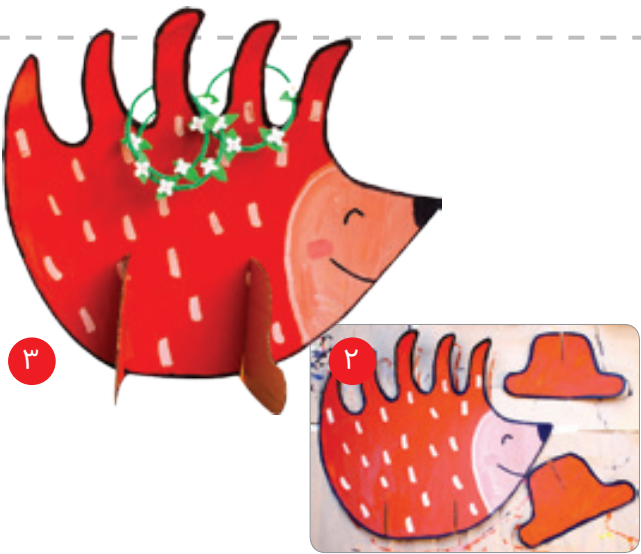


دور و برشان را خوب ببینند و راحت بازی کنند. هر بار که نیل، نزدیک ساحل می‌شد، یک تکه پلاستیک، یک شیشه نوشابه یا یک قوطی کنسرو می‌افتاد روی سرش و بیچاره باید آن قدر خودش را این‌ور و آن‌ور می‌کوبید تا از شر آن آشغال خلاص شود. هر چند خیلی وقت‌ها بچه‌ماهی‌ها از گرداب زباله‌هایی که آدم‌های خودخواه و نادان در آب و ساحل انداخته بودند، جان سالم به در می‌بردند اما نیل و بقیه می‌دانستند بالاخره یک روز خانه‌شان زیر آشغال دفن می‌شود و از تصور آن روز حسابی نگران بودند. نیل همیشه با خودش فکر می‌کرد ای کاش آدم‌ها برای نجات اقیانوس و دریا و ساحل از شر آشغال، کاری نکنند و قدمی بردارند.

کاردستی

خارپشت مقوایی

همه ما توی خانه‌هایمان، تعدادی کارتن مقوایی داریم که روزگاری، جعبه چیزهای بوده‌اند اما حالا، خالی و بی‌کار، گوشه انباری مانده‌اند. ما بچه‌ها می‌توانیم با رسم یک الگوری این مقواها و قیچی کردن و رنگ آمیزی‌شان، کاردستی‌های قشنگ و متنوعی بسازیم. با دقت به وسایل لازم و مراحل ساخت کاردستی امروز، می‌توانید یک خارپشت مقوایی یا هر حیوان دیگری را که دوست دارید، در ابعاد بزرگ و کوچک با رنگ‌های چشم‌نواز و تزیینات بامزه بسازید و با آن، بازی کنید.



خبرهای تازه برای بچه‌های کنجکاو

استقلال‌ها به دیدار بچه‌های محک رفتند



بچه‌ها! شما هم اگر علاقه مند به ورزش فوتبال باشید و بازی‌های تیم‌های بزرگ کشورمان را دنبال کنید، حتماً از دیدن مربی و بازیکنان این تیم‌ها از نزدیک و نه در تلویزیون، حسابی ذوق‌زده می‌شوید. جالب است بدانید دوشنبه‌ای که گذشت، آبی‌پوشان تیم فوتبال استقلال، سری به مؤسسه خیریه و بیمارستان فوق‌تخصصی سرطان کودکان محک زدند تا کودکان بستری در آن جا را با حضورشان، شاد و غافل گیر کنند. وینفرد شفر، سرمربی تیم استقلال به همراه امیرحسین فتحی، سرپرست این باشگاه و بازیکنانی مثل سید مهدی رحمتی، خسرو حیدری، علی کریمی، فرشید باقری، داریوش شجاعیان و فرشید اسماعیلی در این دیدار حضور داشتند و چندین ساعت با بچه‌ها بازی کردند و گفتند و خندیدند. **به نقل از ایسنا**

فروش اسباب‌بازی برای تماشای بازی مور دعلاقه



هواداران زیادی در تاریخ فوتبال وجود داشتند که تلاش کردند به هر نحوی بازی تیم محبوبشان را از نزدیک تماشا کنند اما یک کودک شش ساله آرژانتینی که دوست دارد برای تماشای بازی فینال کوپا لیبرتادورس که شنبه پیش رو است، به بوینس آیرس برود و در ورزشگاه حضور یابد، سرآمد همه این علاقه‌مندان است چون برای جمع کردن پول کرایه و بلیت بازی، مشغول فروختن اسباب‌بازی‌هایش جلوی در خانه‌شان شد. از آن جا که اقدام این کودک حسابی سر و صدا کرد، مسئولان باشگاه ریورپلاته برای این کودک و مادرش بلیت رفت و برگشت به بوینس آیرس گرفتند و دوبلیت برای بازی ریور مقابل خیمناسیا در سوپر لیگ آرژانتین تهیه کردند. آن‌ها همچنین تمام مخارج سفر این کودک را بر عهده گرفتند. **به نقل از کودک‌پرس**

ترانهٔ باران

باز باران با ترانه
کوچه‌ها را می‌کند تر
با صدای دلنشینش
گاه شرشر، گاه جرجر
قطره‌های پاک باران
می‌خورد بر شیشه و سنگ
گوش من را می‌نوازد
باز هم یک قطعه آهنگ
من حسابی شاد هستم
مثل بابا مثل مامان
از تو ممنومم خداجان
بابت کنسرت باران!

شاعر: عفت زینلی



بچه‌های ایرانی ناز پرورده هستند؟



دوستان خوبم! چند روز قبل یک جامعه‌شناس به اسم آقای بهروز اسلامی، حرف مهمی درباره کودکان

ایرانی زده. ایشان در گفت‌وگو با خبرگزاری ایسنا گفته است: «ما پدر و مادرهای ایرانی باید حواسمان باشد مبدا به‌خاطر سختی‌هایی که خودمان در دوران کودکی و نوجوانی کشیدیم، بچه‌هایمان را نازپرورده بار بیاوریم. هم اکنون، بیشتر بچه‌های ایرانی چون برای چیزی که می‌خواهند، زحمت نمی‌کشند، نازپرورده هستند و در آینده و در برخورد با مشکلات زندگی، ممکن است دچار مشکل شوند.» شما چه فکر می‌کنید؟ شما نازپرورده‌اید؟

سرگرمی

رنگ آمیزی

دوستان خوب و خلاقم! اگر به نگهداری گل و گیاه علاقه‌مند هستید، حتماً چند گلدان کوچک کاکتوس هم دور و برتان پیدا می‌شود. کاکتوس‌ها، گیاهان صبور هستند که عاشق نور خورشیدند و می‌توانند با مقدار کمی آب، ساکت و آرام رشد کنند و قد بکشند و حتی گل بدهند. تصویر روبه‌رو، مجموعه‌ای از کاکتوس‌های مختلف و متنوع است که بی‌رنگ مانده‌اند. سریع مدادرنگی یا ماژیک و پاستل‌تان را بردارید و کاکتوس‌ها را رنگ کنید.



دور دنیا



پیرمردی با قلب یک کودک

بچه‌ها! در دور دنیای امروز، سری می‌زنیم به گالری تصویرسازی یک هنرمند بزرگ و محبوب آلمانی به اسم «اریک کارل». آقای کارل، این روزها یک پیرمرد ۸۹ ساله اما سرحال است که سال‌ها پیش، پس از دانش‌آموختگی در مدرسه هنر، شروع به نقاشی و تصویرسازی برای کتاب‌های کودکان کرد و در طول سال‌ها فعالیتش، برای بیشتر از ۷۰ کتاب، تصویرهای رنگارنگ و کودکانه نقاشی کرد. جالب است بدانید کتاب‌های زیادی با نقاشی‌های اریک، در ایران هم به زبان فارسی ترجمه شده. همان‌طور که می‌بینید تصویرسازی‌های این هنرمند، سرشار از رنگ‌های زنده و شاد است.

